

آهنچیان، محمدرضا (۱۳۹۳). علم مدیریت در ایران ظرف پنج دهه گذشته. مجموعه سمینارهای تخصصی  
تعلیم و تربیت اسلامی. مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.



## علم مدیریت در ایران ظرف پنج دهه گذشته<sup>۱</sup>

دکتر محمدرضا آهنچیان<sup>۲</sup>

تاریخ ارائه سمینار: بهمن ماه ۱۳۹۱

### چکیده:

هدف از این تحقیق مرور تحولات علم مدیریت در ایران ظرف ۵ دهه گذشته بود. در این راه با بهره‌گیری از روش مروری-تحلیلی، بر عملکرد این رشته، به‌عنوان نماینده علم مدیریت تمرکز شد. با مقیاس قرار دادن تاریخ انقلاب اسلامی، رشته مدیریت طی دو دهه پیش و سه دهه پس از آن، مورد بررسی قرار گرفت. این بررسی بر مبنای ۵ شاخص اصلی (۱) مراکز علمی، (۲) انجمن‌های علمی، (۳) صاحب‌نظران، (۴) منابع علمی، و (۵) گردهمایی‌های علمی صورت پذیرفت. علاوه بر این وضعیت تولیدات علمی، تحت عنوان «مدیریت اسلامی» ظرف این ۵ دهه، مرور شد و در خاتمه نتیجه ارزیابی کلی به عمل آمده از علم مدیریت در ایران ارائه شد.

**کلیدواژه‌ها:** علم مدیریت، رشته مدیریت، انقلاب اسلامی، ایران

### مقدمه:

این تحقیق، مانند هر مطالعه مروری-تحلیلی دیگر بر اساس پیش‌فرض‌هایی انجام شد. هر پیش‌فرض ضمن اینکه چارچوب نظری مطالعه را تعیین می‌کند، به پژوهشگر نسبت به محدودیت‌ها و فرصت‌های میدان مطالعه نیز آگاهی می‌بخشید. نیازی به ارائه یک دفاعیه مفصل نخواهد بود. اگر

۱. این سمینار حاصل پژوهشی است که پس از ارائه در گروه تعلیم و تربیت اسلامی، توسط ارائه دهنده به مقاله تبدیل شده است.

۲. دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد

ادعا کنیم که مطالعه وضعیت علم مدیریت ظرف نیم قرن، به دلیل فقر همیشگی تاریخ‌نگاری و ثبت و نگهداری و امکان دسترسی به اطلاعات موثق اقدام خطیری است. با علم به این شرایط گزاره‌هایی که پیش فرض این تحقیق قرار گرفتند عبارت بودند از:

- مرور پیشینه یک علم، امکان نوعی ارزیابی از آن به‌منظور ترسیم چشم‌انداز آینده را فراهم می‌آورد؛
- مطالعه حاضر می‌تواند روایت علم مدیریت و توسعه آن در ایران معاصر، از نگاه یک محقق باشد. کمابیش و با تفاوت جزئی این روایت در مورد سایر رشته‌های علمی دانشگاهی در علوم اجتماعی قابل تعمیم است؛
- هدف از این واری، کمک به توسعه یک رشته علمی در وهله نخست و جستجوی دلایل کم توسعه یافتگی کشور در وهله بعدی است. ایفای نقش در توسعه کشور، بیش از سایر رشته‌های علوم انسانی از رشته مدیریت انتظار می‌رود؛
- علم مدیریت در ایران در بسیاری از زمینه‌ها، منشاء خیر بوده است. مهم‌ترین این خیرات به کاربردهای آن در برخی میدان‌های فعالیت مانند بازرگانی و تولید می‌رسد و کمترین آن مربوط به توسعه علوم انسانی ناب در کشور می‌شود.

### دانش، علم، رشته علمی:

پیش از ورود به مسئله اصلی لازم است تا سه مفهوم کلیدی دانش، علم و رشته مورد بررسی مختصر قرار گیرد. تفاوت علم و دانش چیست؟ آیا مدیریت علم است یا دانش؟ دانش یک همراه قدیمی در زندگی بشر بوده است. انسان موجودی است که می‌تواند در اثر برخورد با موقعیت‌های مختلف و به کمک قوای عقلی خود، دانش تولید کند. تاریخ بشر سرشار از تجربه‌های ناب دانشی است که در فراز و نشیب‌های زندگی طولانی‌اش بر روی کره خاکی، به او یاری داده است. دانش به انسان کمک می‌کند تا با شناخت قوانین جهان، پدیده‌ها و اشیای پیرامون خود را به‌خوبی بشناسد و بدین وسیله آنها را به نحو دلخواه خود کنترل کند. اما انسان خواهان اطمینان بیشتر در این باره است که دانش او معتبر است به‌نحوی که قادر است با اعتماد بدان ادعا کند که توانسته است قوانین جهان، پدیده‌ها و اشیای

پیرامون را به طور واقعی بشناسد. به منظور دستیابی به این اطمینان است که پای «علم» به میان کشیده شد.

«علم» اقدامی سیستماتیک برای کشف مجهولات است. وقتی یک دانشمند از طریق پشت سر گذاشتن مراحل انجام تحقیق به «روش علمی» مسئله مجهولی را مورد بررسی قرار می‌دهد و رمزهای آن را می‌گشاید، یک دستاورد علمی حاصل می‌شود. دستاوردهای علمی، دانش جدیدی خلق می‌کند که به آن دانش تخصصی گفته می‌شود. دانشی که به این ترتیب ساخته می‌شود تبیین‌های عینی و قابل اندازه‌گیری از جهان و پدیده‌های آن ارایه می‌کند و از این طریق، جهان و رخداد‌های آن را قابل پیش‌بینی می‌سازد. بر این اساس ادعا می‌شود که دانش تخصصی تولید شده توسط دستگاه‌های رسمی علم، دارای قابلیت اعتماد بیشتری از «دانش عمومی» یا عقل سلیم<sup>۱</sup> است. پس دانش، شامل دو دسته اصلی دانش عمومی<sup>۲</sup> و دانش تخصصی یا علمی<sup>۳</sup> می‌شود. از نگاه مدرنیته، «دانش عمومی» اعتبار لازم برای کشف مجهولات را ندارد. «دانش تخصصی» حاصل دستاوردهای علمی است که توسط دانشمندان به «روش علمی» و در شرایط آزمایشگاهی به دست آمده است و اعتبار آن، مورد اجماع سایر دانشمندان است.

در حد فرصتی که این مقاله ایجاد می‌کند به طور خیلی مختصر باید اشاره کرد که در مدرنیته، برای اینکه دانش تبدیل به «علم» شود، شرایطی لازم بود: از جمله اینکه در کشف مجهولات از «روش علمی» استفاده شود. تایید فرضیه‌ها با شواهد کافی و شکل‌گیری تئوری، مقصود اصلی همه کوشش‌های علمی بود. فقط در این صورت انسان می‌توانست ادعا کند که توانسته است قوانین جهان، پدیده‌ها و اشیای پیرامون را به طور واقعی بشناسد. به عبارت روشن‌تر، بر اساس مدرنیته، وقتی غلبه انسان بر مجهولات، با استفاده از «روش علمی» حاصل نشده باشد، نتیجه به دست آمده «علم» نیست و یا فاقد اعتبار علمی است.

هر رشته<sup>۴</sup> علمی از بستر علم نضج می‌یابد. یک رشته علمی، شاخه‌ای خاص از «دانش تخصصی» است. رشته‌های علمی از یک نظر به یکدیگر شباهت دارند: همه آنها در صدد کشف مجهولات با استفاده از

۱- common sense

۲- non-scientific knowledge

۳- scientific knowledge

۴- discipline

«روش علمی» هستند. در عین حال بین آنها اغلب از نظر «ابزار» مورد استفاده برای شناخت تفاوت وجود دارد. برای مثال فیزیک به عنوان یک رشته علمی در آزمایشگاه و با آزمایش مواد، به یافته‌های مورد انتظار دست می‌یابد. در رشته‌های علوم اجتماعی از جمله در مدیریت، مهمترین ابزار شناخت مشاهده منظم و تحلیل و تفسیر ذهنی آن است. در مدیریت این کار در اجتماعات سازمانی صورت می‌گیرد.

در این تحقیق منظور از علم مدیریت، «مدیریت» به منزله یک رشته علمی و شاخه‌ای از دانش تخصصی است. در این پیکره، «مدیریت» در همه جای دنیا، به‌ویژه در محیط‌های آکادمیک کاملاً شناخته شده و برای افراد آشنا است.

### مرور ادبیات: خاستگاه تاریخی علم مدیریت در ایران

جستجوی گسترده در ادبیات، در قلمرو موضوعی مسئله این تحقیق، منجر به نتیجه معینی نشد. چون هدف تحقیق بررسی تحولات علم مدیریت در ایران ظرف ۵۰ سال گذشته بود، بنابراین دلیل و لزومی نیز برای مراجعه به منابع خارجی و احیاناً منابع داخلی مرتبط با موضوع اما بیرون از این دایره زمانی، وجود نداشت. به‌طور کلی مرور مستندات عمدتاً انتشار یافته در پایگاه‌های عمومی نشان داد که علم مدیریت در ایران پیشینه‌ای ۵۰ ساله را پشت سر می‌گذارد. چنانچه پس از این نشان داده خواهد شد اگر بر مبنای تاسیس اولین موسسه آموزشی که این رشته را آموزش می‌داد قضاوت کنیم سابقه این رشته به اواخر دهه ۱۳۳۰ برمی‌گردد.

بازاندیشی در مطالعات مدیریت در ایران ظرف نیم قرن گذشته نشان داد که رهیافت عقلانیت غیرانتقادی حاکم بوده است. پژوهش‌ها تا حد صددرصد بر اساس مفروضات اثبات‌گرایانه انجام شده است. گرایش وجود دارد که رابطه بین دو امر واقع به عنوان دو متغیر مورد بررسی قرار گیرد. در انتخاب تئوری به عنوان زیر بنای تحقیق تردید و سردرگمی وجود دارد، گاهی فراوانی تئوری‌ها در تحقیقات، که بدون مدل ذهنی دقیقی صورت می‌گیرد، باعث سرسام عملیاتی می‌شود و نه فقط در جریان تحقیق به سود محقق عمل نکرده است بلکه منجر به مدل‌های التقاطی غیرموجهی شده است و پس از آن نیز توسط سایر محققان مبنای عمل قرار گرفته است و زنجیره جدیدی از مغالطه در تولید علم را شکل داده است.

در بسیاری موارد میان مسئله، تئوری و آزمایش گسست ایجاد شده است. تحقیقات از نظر مراجعه به تئوری نوعی بازنویسی انجام داده اند و از نظر آزمون متغیر، با تولید جدولها و یافته‌های آماری پرداخته‌اند (ساعی، ۱۳۸۶).

چه ربطی بین امور واقع در حیات اجتماعی ما و مدیریت وجود داشته است؟ حیات اجتماعی ما از امیدها، یاس‌ها، خواست‌ها، تجربه‌ها، آشفتگی‌ها، نظم‌ها، شکست‌ها، پیروزی‌ها، همگرایی، تفرد، سنت طلبی، تجدد خواهی، و از سوی دیگر ارزش‌ها، تشریفات، باورها، و سنت‌های خاص خود تشکیل شده است. مدیریت چگونه این پیوند را در نظر گرفت و حفظ کرد؟ اگر بپذیریم که مسئله در نتیجه تناقض یا تضاد بین دانش ما با امر واقع بروز می‌کند، این تضادها چگونه و با چه مشخصاتی بروز کرد؟ آیا اساساً تضادی بروز کرد؟ در پاسخ به این سوالات باید در نظر داشته باشیم که این دانش ما درباره موقعیت است که به ما در درک امر واقع کمک می‌کند و به شناخت مسئله منجر می‌شود: وقتی دانش مستخرج از شرایط ما نباشد، نمی‌تواند به ما عینکی برای تشخیص مسئله بدهد.

به منظور بسط بیشتر موضوع باید توجه داشت که در هر رشته علمی دو نوع مسئله وجود دارد: مسئله تئوریک، و مسئله اجتماعی. مسئله تئوریک ناشی از انتقاد بر تئوری‌های رایج و موجود یک علم است. مسئله تئوریک مبتنی بر تبیین خطاپذیری یک تئوری در برخورد با مسایل جدید یا ناتوانی آن در تبیین و یا توضیح مسئله است. در اینجا تئوری در تبیین واقعیت ناتوان است.

مسئله اجتماعی، در نتیجه وقوع یک مشکل یا مسئله مانند اهمال کاری یا تحصن در سازمان‌ها مشخص می‌شود. اگر استدلال کنیم که واقعیت با تئوری همخوان نیست، آنگاه با مسئله اجتماعی رو به رو هستیم. بر اساس شواهدی که پس از این ارایه خواهد شد و به اتکای استدلال طرح شده در اینجا، می‌توان ادعا کرد که مدیریت در ایران ظرف این دوره ۵۰ ساله نه با مسئله تئوریک و نه با مسئله اجتماعی رو به رو شد.

### هدف تحقیق:

هدف این مطالعه مرور تحولات علم مدیریت در ایران ظرف ۵ دهه گذشته بود. در این راه با بهره‌گیری از روش مروری-تحلیلی، بر عملکرد این رشته، به عنوان نماینده علم مدیریت تمرکز شد. بر

مبنای تاریخ وقوع انقلاب اسلامی، رشته مدیریت طی دو دهه پیش و سه دهه پس از آن، مورد بررسی قرار گرفت.

### روش:

بر اساس هدف از انجام چنین تحقیقی، بهترین روش، مروری-تحلیلی تشخیص داده شد. پس از شناسایی هدف‌ها، معتبرترین منابع، مورد بررسی قرار گرفت و بر اساس چارچوب مفهومی و با مراجعه به پیش فرض‌های تحقیق، اطلاعاتی که در ارتباط مستقیم یا غیرمستقیم با شکل‌گیری و تحول علم مدیریت در ایران بودند استخراج و رابطه آنها در چارچوب مفهومی تحلیل شد. در این روش، شیوه جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز به شیوه مطالعه منابع کتابخانه‌ای شامل نتایج تحقیقات، گزارش‌ها و مقالات، بانک‌های اطلاعاتی مرتبط در قلمرو علم مدیریت در ایران بود. در خصوص کتاب‌های مدیریتی و تحلیلی‌هایی که در رابطه با آن‌ها ارائه شده است مبنای تهیه اطلاعات پایگاه‌های اطلاع‌رسانی کتابخانه‌های دانشگاهی سه دانشگاه بزرگ ایران (تهران، صنعتی شریف و فردوسی مشهد) بوده است.

بر اساس اطلاعات جمع‌آوری و طبقه‌بندی شده، ۵ شاخص اصلی در راستای هدف پژوهش شناسایی شدند. این شاخص‌ها، امکان نظم بخشیدن به یافته‌ها و در ضمن مقایسه ۵ دهه تحولات مدیریت را فراهم ساخت. به این ترتیب اطلاعات مربوط به علم مدیریت پیش و پس از انقلاب اسلامی بر حول این ۵ محور تنظیم شد:

- ۱) مراکز علمی
- ۲) انجمن‌های علمی
- ۳) صاحب‌نظران
- ۴) منابع علمی
- ۵) گردهمایی‌های علمی

علاوه بر این وضعیت تولیدات علمی در حوزه «مدیریت اسلامی» ظرف ۵ دهه مذکور و ارزیابی کلی از علم مدیریت در ایران به روش تحلیلی صورت پذیرفت.

**یافته‌ها:**

همانطور که در قسمت روش توضیح داده شد، به منظور انتظام بخشی به نتیجه تحلیل‌های به عمل آمده بر روی اطلاعاتی که به صورت مستقیم و غیر مستقیم درباره علم مدیریت در ایران جمع‌آوری شده بود، از طبقه‌بندی آن در قالب ۵ شاخص اصلی استفاده شد. در اینجا، بر حسب این ۵ شاخص، ابتدا توضیح کلی درباره هر شاخص داده شده است و سپس به تفکیک ۵ دهه، و در جستجوی تحولات طولی، وضعیت آن شاخص در هر دهه مورد بررسی قرار گرفته است.

**مراکز علمی:**

دانشگاه اولین مرکز علمی برای آموزش مدیریت در ایران بوده است. دانشکده مدیریت تحت عنوان موسسه علوم اداری در سال ۱۳۳۴ هجری شمسی به موجب عقد قرارداد بین دانشگاه تهران و دانشگاه کالیفرنیا جنوبی به منظور تربیت مدیران برای اداره سازمان‌های دولتی و خصوصی، در دانشکده حقوق دانشگاه تهران راه‌اندازی گردید و فعالیت خود را با همکاری گروهی از اساتید آمریکایی آغاز نمود. از شهریور ۱۳۳۶ اداره آن به متخصصان و اساتید ایرانی واگذار گردید و موسسه نیز بنام «موسسه علوم اداری و بازرگانی» تغییر نام یافت. در سال تحصیلی ۴۴-۱۳۴۳ با تصویب شورای دانشگاه و تأیید شورای مرکزی دانشگاه‌ها این مرکز علمی با تغییر نام به «دانشکده علوم اداری و مدیریت بازرگانی» به فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی خود ادامه داد.

«دانشکده علوم اداری و مدیریت بازرگانی دانشگاه تهران» از سال ۱۳۴۳ به آموزش دانشجویان در مقطع کارشناسی در رشته‌های علوم اداری و مدیریت بازرگانی و نیز در مقطع کارشناسی ارشد در رشته‌های اداره امور دولتی و مدیریت بازرگانی و حسابداری اشتغال داشته است و در سال ۱۳۴۷ مقطع کارشناسی رشته حسابداری تاسیس شد.

رشته مدیریت آموزشی نیز برای نخستین بار در ایران در سال ۱۳۴۶ در دانشسرای عالی تهران تاسیس شد. در سال ۵۵-۱۳۵۴ رشته دکترای مدیریت، در سال ۱۳۶۲ کارشناسی رشته مدیریت صنعتی و در سال ۱۳۶۶ کارشناسی مدیریت بیمه به رشته‌ها و مقاطع قبلی اضافه گردید. همچنین در سال ۱۳۶۷ دوره دکترای مدیریت پس از انقلاب فرهنگی مجدداً بازگشایی گردید. رشته مدیریت آموزشی نیز در سال ۱۳۵۲ در دانشگاه تهران راه‌اندازی شد و ۳ سال بعد در مقطع کارشناسی ارشد به جذب دانشجو پرداخت.

با پیروزی انقلاب اسلامی، و پیش از شروع انقلاب فرهنگی در سیستم آموزش عالی ایران ۲۶ [دانشگاه](#)، ۵۰ [دانش سرا](#) و ۱۶۸ مؤسسه دیگر آموزشی وجود داشت. در این مؤسسات آموزش عالی که به صورت دولتی و خصوصی اداره می‌شدند، در مجموع حدود ۱۸۰ هزار دانشجو مشغول به تحصیل بودند.

تأسیس دانشگاه تربیت مدرس در سال ۱۳۶۲، انتزاع آموزش پزشکی از وزارت فرهنگ و آموزش عالی و تشکیل وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی در مرداد ماه ۱۳۶۴، تأسیس دانشگاه آزاد اسلامی به عنوان موسسه ای غیر انتفاعی سال ۱۳۶۲ و تأسیس دانشگاه پیام نور در سال ۱۳۶۳ با هدف احیای شیوه آموزش از راه دور در توسعه آموزش عالی ایران کشور به طور عام و رشته مدیریت به طور خاص موثر بودند. امروزه قریب به ۴۰۰ دانشگاه و موسسه آموزش عالی در ایران در حال فعالیت است. در بسیاری از این دانشگاه‌ها رشته مدیریت آموزش داده می‌شود. براساس آمار سال ۱۳۸۸ وزارت علوم یکی از سه رشته در آموزش عالی کشور که بزرگترین سهم را در جذب دانشجو دارد رشته مدیریت است. دو رشته دیگر، کامپیوتر و حقوق است.

دهه ۱۳۴۰. یک دانشگاه و یک موسسه آموزش عالی در این دهه به تربیت دانش‌آموختگان رشته مدیریت در مقطع کارشناسی می‌پرداخت.

دهه ۱۳۵۰. در این دهه و پیش از انقلاب اسلامی، دوره‌های کارشناسی ارشد و دکترا در رشته مدیریت راه‌اندازی شد.

دهه ۱۳۶۰. این دوران، دوره رونق آموزش‌های مدیریتی در کشور بود. تعداد بسیار زیادی از دانشگاه‌های بزرگ دولتی به پذیرش دانشجو در رشته‌های مدیریت پرداختند و تحصیل در ۳ مقطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترا میسر گردید. دانشگاه آزاد اسلامی نیز به سرعت توسعه آموزش عالی در این رشته کمک کرد.

دهه ۱۳۷۰. رشد آموزش رشته مدیریت ادامه یافت.

دهه ۱۳۸۰. رشد آموزش رشته مدیریت ادامه یافت.



### انجمن‌های علمی:

تاریخچه تشکیل انجمن‌های علمی در ایران با تشکیل "جمعیت فیزیک و شیمی ایران" در سال ۱۳۱۰ هجری شمسی با اجتماع تعداد کمی از فیزیکدانان کشور در آزمایشگاه فیزیک دانشکده علوم دانشسرای عالی آغاز شد. اما دیری نگذشت که به علت نبود ارتباطی منسجم و تعریف شده بین اعضاء، فعالیت این انجمن متوقف شد.

در حدود سال ۱۳۲۰ "کانون مهندسين ایران"، "مجمع و کلاهی دادگستری" و "انجمن مامایی ایران" نیز فعالیت خود را آغاز کردند. در دهه ۱۳۳۰، "انجمن پزشکی" فعالیت خود را شروع و در سال ۱۳۴۰ به انتشار نشریات مختلف گروه‌های پزشکی اقدام کرد.

در این دوره، که دوره اول فعالیت انجمن‌های علمی ایران نامیده می‌شود، گروه‌های کشاورزی، علوم پایه و علوم انسانی فعالیت چشمگیری نداشتند. البته در این دوره، محفل‌های خصوصی و غیررسمی از استادان و دانشوران نیز تشکیل شد.

دوره دوم فعالیت انجمن‌های علمی سالهای ۱۳۴۰ تا ۱۳۷۰ را در بر می‌گیرد. در این دوره نقش وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در تشکیل انجمن‌های علمی محسوس بود. در واقع بیشتر انجمن‌های علمی با کمک این وزارتخانه تشکیل شدند. این امر نتیجه آگاهی از نقش انجمن‌ها در پیشبرد علم بود. شکل‌گیری انجمن‌هایی مانند "انجمن ریاضی"، "انجمن مدیریت"، "انجمن حسابداری" و "انجمن روانشناسی" با کمک وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در آن سالها و تصویب طرح تشکیل انجمن‌های علمی از سوی شورای هماهنگی دانشگاه‌ها، جلوه‌های بارز آن رویکرد است.

به این ترتیب تا سال ۱۳۵۷، تعداد ۷۸ انجمن علمی در گروه‌های علوم پزشکی، علوم پایه، کشاورزی، فنی و مهندسی و علوم انسانی فعالیت خود را آغاز کردند.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و در سال ۱۳۶۲ مسئولیت انجمن‌ها و مجامع علمی کشور به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری واگذار گردید و دفتر همکاری‌های علمی و بین‌المللی، زیر نظر معاونت پژوهشی، اداره امور انجمن‌ها را برعهده گرفت. در سال ۱۳۶۶ نیز "آیین‌نامه نحوه صدور تأسیس انجمن‌های علمی کشور" تدوین شد. این آیین‌نامه به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری اختیار داد مجوز تأسیس انجمن‌های علمی را صادر یا فعالیت‌های آنها را تأیید کند.

دوره سوم از سال ۱۳۷۰ آغاز شد در هفتم مهرماه آن سال شورای عالی انقلاب فرهنگی مصوبه شماره ۲۶۲ خود را صادر کرد. براساس این مصوبه صدور مجوز تأسیس انجمن‌های علمی، تجدید پروانه و نظارت بر حسن انجام کار آنها، بسته به مورد، برعهده وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری، بهداشت و درمان و آموزش پزشکی و فرهنگ و ارشاد اسلامی نهاده شده است. در حال حاضر ۶۲ انجمن از ۱۹۷ انجمن علمی کشور در گروه علوم انسانی فعالیت می‌کنند. قدیمی‌ترین انجمن‌های علمی مدیریتی در ایران عبارتند از علوم مدیریت ایران ۱۳۷۵، مدیریت اجرایی ایران، ۱۳۷۵ و مدیریت ایران ۱۳۷۸. در حالی که انجمن ریاضی ایران در سال ۱۳۵۰ راه اندازی شده است.

دهه ۱۳۴۰. انجمن علمی در قلمرو مدیریت وجود نداشته است.

دهه ۱۳۵۰. انجمن علمی در قلمرو مدیریت وجود نداشته است.

دهه ۱۳۶۰. انجمن علمی در قلمرو مدیریت وجود نداشته است.

دهه ۱۳۷۰. ۳ انجمن علمی در قلمرو مدیریت تأسیس می‌شود.

دهه ۱۳۸۰. ۹ انجمن علمی در این قلمرو شکل می‌گیرد. برخی از آنها بین رشته‌ای هستند مانند انجمن علمی مدیریت کنترل مناطق بیابانی

### صاحب نظران:

اغلب صاحب نظران رشته مدیریت، دارای تحصیلات مرتبط و شاغل در دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی شاغل بوده‌اند. استادان دهه‌ها ۱۳۴۰ تا ۱۳۶۰ را بیشتر دانش‌آموختگان سایر دانشگاه‌های دنیا تشکیل می‌دادند. رفته رفته و از دهه ۱۳۷۰ صاحب نظرانی که در ایران مدرک تحصیلی خود را گرفته بودند گروه غالب این گروه را به خود اختصاص دادند.

دهه ۱۳۴۰. معروفترین صاحب نظران این دهه عبارتند از: محمدعلی توسی، عزت الله مخاطب رفیعی، رضا نیازمند، علیمحمد اقتداری، خلیل الله کازرونی، ابراهیم خواجه نوری، و علی نیامی. آنان در این دوران صاحب آثار پرمراجعه علمی در حوزه مدیریت و حسابداری بوده‌اند.

دهه ۱۳۵۰. در این دهه نام کسانی چون جلال مقدس، امیرآشفته تهرانی، ابوالفضل صادق پور، محمدعلی بطحائی، رضا شاپوریان، کمال پرهیزکار، منوچهر مظفریان، علیرضا بشارت، اصغر زمردیان،

حسن ستاری، جواد عامری، و هوشنگ مظاهری، در کنار استادانی که از دهه قبل حضور موثری در رشته مدیریت کشور داشتند یعنی محمدعلی توسی و علیمحمد اقتداری قرار گرفتند.

دهه ۱۳۶۰. در این دهه بر تعداد صاحب نظران رشته مدیریت به وضوح افزوده شد. محمدعلی نائلی، مهدی الوانی، ناصر میرسپاسی، علی علاقه بند، علی رضاییان، شمس الدین زاهدی، محمود ساعتچی، علی اکبر افجه‌ای، اصغر زمردیان و مصطفی عسگریان، پا به عرصه گذاردند و در کنار کسانی چون محمدعلی توسی، علی محمد اقتداری و کمال پرهیزکار اغلب تولیدات علمی مدیریت در این دوران را در کنترل خود گرفتند.

دهه ۱۳۷۰. در این دهه بر تعداد استادان صاحب اثر که آثار آنان در اجتماعات علمی و به ویژه در دانشگاه‌ها مورد اقبال قرار گرفت افزوده شد. از جمله کسانی که در این دهه مطرح شدند می‌توان به حسین رحمان سرشت، داود محب علی، سهراب خلیلی شورینی، عباس منوریان، محمدرضا بهرنگی، سیاوش خلیلی شورینی، داود مدنی، قاسم کبیری، نسرین جزینی، رضا سیدجوادین، حسن میرزایی اهرنجانی، مهدی ایران نژاد پاریزی، سیدمحمد اعرابی، محمد عباس زادگان، محمد سعید تسلیمی، علی پارساییان، حسین ابطحی، محمد مقیمی، علی اکبر فرهنگی، اصغر مشبکی، سید محمد میرکمالی، رضائیان، محمدعلی انصاری، سید سعید مرتضوی، ابوالحسن فقیهی، و محمدعلی حقیقی اشاره کرد. اغلب صاحب نظران دهه ۶۰ نیز در این دهه فعال بودند.

دهه ۱۳۸۰. تقریباً در این دهه اغلب استادان صاحب اثر دو دهه قبل در عرصه تولیدات علمی فعال بودند. برخی تنها به تجدید چاپ آثار می پرداختند اما اغلب دست به تولیدات جدید نیز می زدند. مولفان جدیدی مانند غلامرضا خاکی، حسن دانایی فرد و آراین قلی پور، در کنار سایر صاحب نظران دو دوره گذشته، به تولیدات علمی مدیریت رونق می بخشیدند.

### منابع علمی:

در این مطالعه مهم ترین شاخص تولیدات علمی، ظرف ۵ دهه، کتاب‌ها در نظر گرفته شدند. به عبارت دیگر، ارزیابی از تولیدات علمی با مراجعه به کتاب‌ها به عنوان اصلی ترین نمادهای تولید علمی از گذشته تا کنون انجام شد. کتاب‌های این دوران از سایت دانشگاه‌های فردوسی، تربیت مدرس، شریف و نیز کتابخانه آستان قدس رضوی برداشته شدند.

دهه ۱۳۴۰.

تعداد محدودی کتاب (۱۸ عنوان) با عنوان مدیریت یا رهبری در این دوران ثبت شده است. به جز مجله مدیریت دولتی، هیچ مجله‌ای که به طور خاص مقالات تخصصی مدیریت را به چاپ برساند وجود نداشته است.

دهه ۱۳۵۰.

در این دهه تعداد منابع علمی در قلمرو مدیریت به طور محسوس افزایش نشان می‌دهد. دامنه و تنوع موضوعات کتاب‌ها به حوزه‌های مدیریت منابع انسانی، روانشناسی مدیریت، مدیریت بازار، روش‌های کمی در مدیریت، نظریه‌ها، تصمیم‌گیری، روابط انسانی و بودجه گسترش یافته است.

دهه ۱۳۶۰.

تعداد منابع علمی مدیریت در این دهه به طور محسوس افزایش نشان می‌دهد. با اینکه در این دهه کشور درگیر جنگ تحمیلی و تبعات آن بود، تعداد کتاب‌های مدیریتی تا دو برابر عناوین دهه قبل را نشان می‌دهد. تعداد کتاب‌های دارای عنوان یا محتوای مدیریت به ۷ برابر دهه ۱۳۴۰ و دو برابر دهه ۱۳۵۰ افزایش یافت.

تعداد کتاب‌های ترجمه نسبت به دهه ۱۳۴۰، ۱۰ برابر و نسبت به دهه ۱۳۵۰، ۱/۲۵ برابر رشد نشان می‌دهد. مدیریت منابع انسانی، مدیریت اسلامی، تئوری‌های سازمان و مدیریت، مبانی سازمان، اصول مدیریت، مدیریت آموزشی، مدیریت مالی، و روش‌های مدیریت در این مجموعه دیده می‌شود.

در دهه ۱۳۷۰ به دلیل رونق اقتصادی از یک سو و افزایش تعداد دانشجویان و داوطلبان تحصیل در رشته‌های مدیریتی، کتاب‌های مدیریتی به طور کلی به بیش از ۴ برابر و کتاب‌های ترجمه شده ۶ برابر بیشتر است. تنوع عناوین بسیار زیاد و عمدتاً شامل: تئوری‌های مدیریت، مدیریت منابع انسانی، کیفیت، استراتژیک، تحولی، مالی، سیستمی، اطلاعات، آموزش، ارتباطات، رفتار و روابط انسانی، مدیریت آموزشی، رهبری، اسلامی، R&D، تجارت، تطبیقی، تولید، و مدیریت عمومی بود.

رونق بازار کتاب‌های مدیریتی در دهه ۱۳۸۰ مانند دهه پیش از آن است اما فاقد رشد معنادار می‌باشد. با وجود افزایش دوره‌های مدیریتی و توسعه آموزش عالی، به نظر می‌رسد که در این دهه نیز باید شاهد توسعه تولیدات رشته مدیریتی می‌بودیم. در این دهه بر اساس عنوان، از تعداد کتاب‌ها به طور کلی و تعداد کتاب‌های ترجمه شده نیز کاشته شده است. مدیریت استراتژیک، تجارت، اطلاعات،

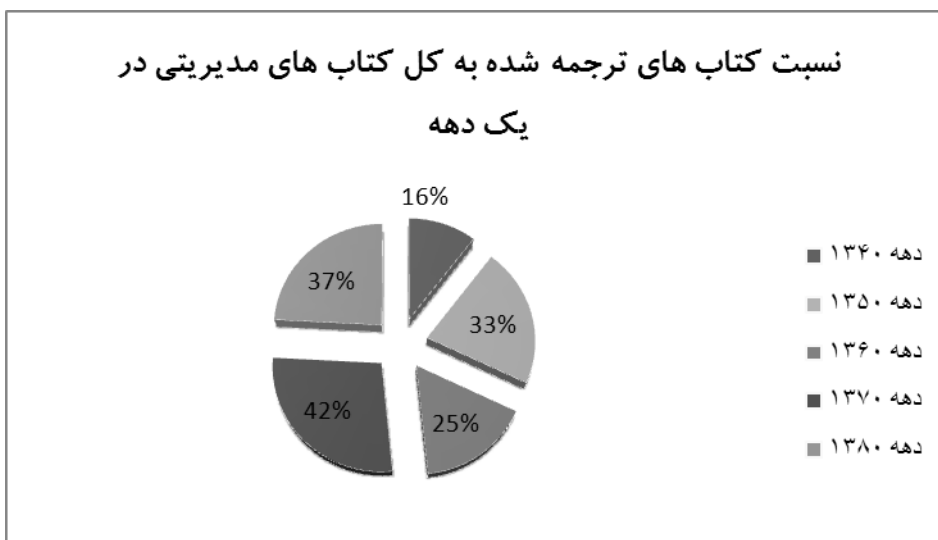
موضوع	کل	پدیدآور		دهه
		ایرانی	خارجی	
مدیریت منابع انسانی، روانشناسی سازمانی، مدیریت اسناد، مدیریت روابط عمومی، روش‌های مدیریت	۱۸	۱۵	۳	۱۳۴۰-۴۹
مدیریت منابع انسانی، روانشناسی مدیریت، مدیریت بازار، روش‌های کمی در مدیریت، نظریه‌ها، تصمیم‌گیری، روابط انسانی، بودجه	۶۴	۴۳	۲۱	۱۳۵۰-۵۹
مدیریت منابع انسانی، مدیریت اسلامی، تئوری‌های سازمان و مدیریت، مبانی سازمان، اصول مدیریت، مدیریت مالی، روش‌های مدیریت	۱۱۴	۸۶	۲۸	۱۳۶۰-۶۹
تئوری‌های مدیریت، مدیریت منابع انسانی، کیفیت، استراتژیک، تحولی، مالی، سیستمی، اطلاعات، آموزش، ارتباطات، رفتار و روابط انسانی، رهبری، اسلامی، R&D، تجارت، تطبیقی، تولید، مدیریت عمومی،	۴۱۸	۲۴۲	۱۷۶	۱۳۷۰-۷۹
استراتژیک، تجارت، اطلاعات، پروژه، بحران، تحول، اصول مدیریت، ارتباطات، رفتار، مبانی سازمان، اسلامی، تطبیقی، عملکرد، دانش، نوآوری، سرمایه‌گذاری، ریسک، مدیریت عمومی	۴۱۴	۲۵۹	۱۵۵	۱۳۸۰-۸۹

پروژه، بحران، تحول، اصول مدیریت، مدیریت ارتباطات، مدیریت آموزشی، رفتار، مبانی سازمان،

اسلامی، تطبیقی، عملکرد، دانش، نوآوری، سرمایه‌گذاری، ریسک، و مدیریت عمومی از جمله فراوان‌ترین کتاب‌های موجود است. در جدول زیر کتاب‌های نشر یافته با عنوان مدیریت ظرف ۵۰ سال به تفکیک ملیت نویسنده و موضوع و محور کتاب نشان داده شده است. جدول ۱. کتاب‌های نشر یافته با موضوع و عنوان مدیریت ظرف ۵۰ سال به تفکیک ملیت نویسنده و موضوع و محور کتاب

در جدول بالا به ضوح می‌توان تکراری بودن موضوعات را تا دهه ۶۰ و گستردگی تنوع آنها را در دو دهه ۷۰ و ۸۰ مشاهده کرد. در محورها نیز ظرف این دو دهه، به ویژه در دهه ۱۳۷۰ شاهد افزایش تنوع محورها به شکل معنی‌داری هستیم. از نظر ملیت نویسنده یا پدیدآور، نمودار زیر نشان می‌دهد که دهه ۴۰ کمترین تعداد کتاب‌های ترجمه شده و دهه ۷۰ بیشترین آنها را در اختیار داشته است.

نمودار ۱. نسبت کتاب‌های ترجمه شده به کل کتاب‌های مدیریتی در یک دهه



بیش از ۳۰ درصد کتاب‌های مدیریتی ظرف ۵۰ سال، را کتاب‌های ترجمه شده به خود اختصاص می‌دهد. ضمن اینکه روشن نیست چه نسبتی از کتاب‌های تالیف شده نیز حاوی اطلاعات ترجمه شده بوده است. به علاوه توجه فراوانی ترجمه آثار در دهه ۱۳۷۰ نیازمند بررسی و مطالعه دقیق‌تری است.

### گردهمایی‌های علمی:

یکی از نشانه‌های رونق علم، برگزاری نشست‌های تخصصی در سطوح مختلف است. به‌رغم جستجو در منابع موجود و به‌ویژه جستجو در منابع اطلاعاتی بر روی پایگاه ایران داک مستندات مربوط به گردهمایی‌های علمی مشاهده نشد. بر اساس شواهد، تا پیش از انقلاب اسلامی این گردهمایی‌ها یا برگزار نشده‌اند و یا با فراوانی محدود و فقط در سطح دانشگاهی بوده است. به‌ویژه از دهه ۱۳۷۰ و براساس تجربه‌های محدود محقق، گردهمایی‌ها به میزان قابل توجهی افزایش نشان داد و از دهه ۱۳۸۰ از عهده و انحصار دانشگاه‌ها و دستگاه‌های دولتی نیز خارج شد و توسط شرکت‌های دانش‌بنیان نیز اجرا گردید.

در پایگاه جهاد دانشگاهی، از میان تعداد ۱۲۴ همایش ثبت شده ظرف سال‌های دهه ۱۳۸۰، تعداد ۱۲ مورد آن (در حدود ۱۰ درصد) در قلمرو مدیریت است.

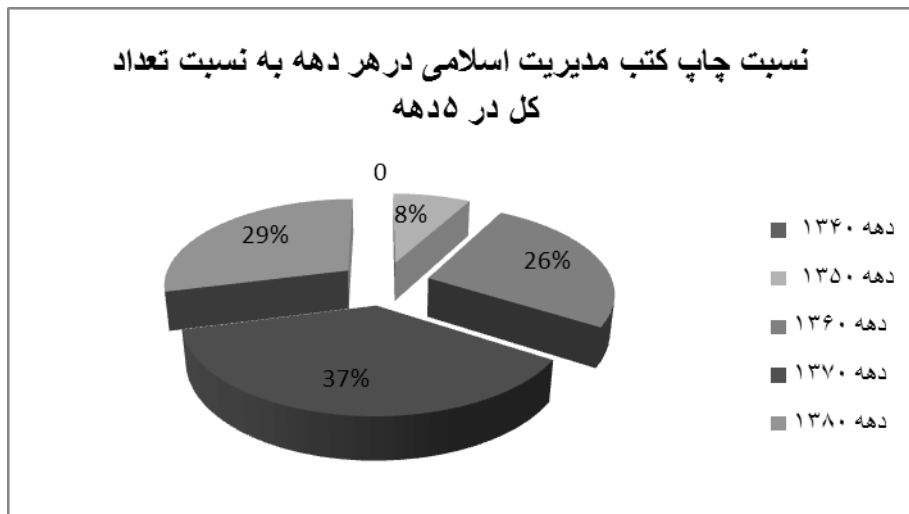
### مدیریت اسلامی:

در زمینه مدیریت اسلامی فقط براساس کتاب‌هایی که در کتابخانه‌های مورد جستجو مشاهده شد، این نتیجه به دست آمد که پس از انقلاب اسلامی، تعداد کتاب‌هایی که با پیشوند «اسلامی» پس از اصطلاحاتی مانند مدیریت، رهبری، زمامداری، حکومت، و مانند اینها به چاپ رسیده است، به طور محسوس بیشتر از پیش از آن است. به جز تعداد بسیار معدودی از این آثار، تقریباً همگی آنها حاصل کوشش اندیشمندان ایرانی هستند. نتیجه مقدماتی که موضوعی برای مطالعه عمیق‌تر به شمار می‌آید این است که آیا در جهان اسلام کار فوق العاده‌ای درباره مدیریت اسلامی انجام نشده است یا محققان ایرانی نخواستند و یا نتوانسته‌اند از آنها بهره بگیرند<sup>۱</sup>. در نمودار زیر نسبت چاپ کتاب‌های مدیریت اسلامی در هر دهه به نسبت تعداد کل در ۵۰ سال، نشان داده شده است. لازم به ذکر است که در این آمار، بعضاً ممکن است یک کتاب در دو دهه تجدید چاپ شده باشد. تعداد این نوع کتاب‌ها بسیار اندک بوده‌اند.<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup>. شاید بتوان بر اساس تفاوت در رویکرد تشیع و تسنن به موضوع و با فرض تفاوت در مدیریت و درک این دو رویکرد، توجه کمتر به ترجمه آثار مدیریت اسلامی از جهان اسلام را توجیه کرد.

<sup>۲</sup>. در حدود ۳ درصد کتاب‌های ۵ دهه

نمودار ۲: نسبت چاپ کتاب‌های مدیریت اسلامی در هر دهه به نسبت تعداد کل کتاب‌های مدیریتی



نمودار بالا روشن می‌سازد که کمترین تعداد کتاب در حوزه مدیریت اسلامی مربوط به دهه ۱۳۴۰ و بیشترین آن مربوط به دهه ۱۳۷۰ می‌شود. چنانکه در بحث منابع علمی نیز اعلام شد، در دهه ۱۳۴۰، تعداد کتاب‌های مدیریتی به چاپ رسیده نیز بسیار محدود بوده است. لذا به تبع آن، فقدان کتابی که به‌طور ویژه بر روی موضوع مدیریت اسلامی تمرکز کرده باشد نیز بدیهی می‌نماید. به علاوه در تناسب زمانی با دهه ۱۹۶۰ میلادی باید مشاهده کرد که در آن دوران، در دنیا و مخصوصاً در جهان اسلام، چقدر باب مطالعه و بحث در این زمینه باز بوده است؟ در مرور کتاب‌های انتشار یافته در حوزه مدیریت اسلامی نکته قابل توجهی به چشم می‌خورد و آن این است که هیچ نویسنده‌ای را نمی‌بینیم که در بیش از یک دهه مطالعات خود را فقط بر روی مدیریت اسلامی متمرکز کرده باشد و دو اثر متفاوت را در دو دهه به چاپ رسانده باشد. در جدول زیر کتاب‌های انتشار یافته با موضوع مدیریت اسلامی ظرف این ۵ دهه نشان داده شده است.



جدول ۲: کتاب‌های انتشار یافته با موضوع مدیریت اسلامی

پدیدآورنده	۴۹-	۵۹-	۶۹-	۷۹-	۸۹-	جمع
	۱۳۴۰	۱۳۵۰	۱۳۶۰	۱۳۷۰	۱۳۸۰	
ایرانی	۰	۳	۱۳	۱۹	۱۴	۴۹
خارجی	۰	۱	.	.	۱	۲
جمع	.	۴	۱۳	۱۹	۱۵	۵۱

**بحث:**

براساس یافته‌های تحقیق می‌توان به نتیجه‌ای کلی و در ضمن مقدماتی دست یافت. به اتکای این نتیجه کلی نشانه‌ای وجود ندارد تا به اتکای آن بتوان ادعا کرد که ظرف ۵۰ سال گذشته علم مدیریت در ایران توانسته است به تولید علم مدیریت بر اساس انتظارات و اقتضانات جامعه ایرانی پردازد. به سخن دیگر، علم مدیریت در ایران دارای صبغه و مختصات علم جهانی آن است و کوشش نظام‌یافته و بلیغی مشاهده نمی‌شود که دال بر اراده و توان خارج شدن از سیطره علم جهانی باشد. با پذیرفتن این نتیجه کلی، و قرار دادن آن به منزله پیش فرضی برای تحقیقات بیشتر، به کمک یافته‌های این تحقیق، نتیجه مقدماتی به دست می‌آید. این نتیجه گواه آن است که چند دسته موانع در وضعیت فعلی نقش داشته‌اند. به طور خلاصه آنها عبارتند از:

عدم مداخله در تأسیس یا تغییر پارادایم علمی. به نظر می‌رسد که ما ظرف این ۵۰ سال، وارد جنگ پارادایم‌ها نشده باشیم: یعنی به شرایطی وارد نشده‌ایم که ما را به شناخت و جبهه‌گیری اصولی نسبت به یک پارادایم علمی نایل کند. اساساً به تولید تئوری علمی در مدیریت دست نیافته و به مرحله‌ای نرسیده‌ایم که بنا باشد بر سر تضاد پارادایم‌ها تصمیم‌گیری داشته باشیم.

بی‌هدفی. بدون شناسایی و پذیرش یک پارادایم غالب علمی، تولید علم مدیریت سرگردان و بی‌هدف پیش رفته است. به نظر می‌رسد که در تولید تئوری‌هایی که بتواند در قالب علم جهانی پذیرفته شده باشد موفق نبوده‌ایم. در عین حال باید پذیرفت که در چارچوب پارادایم غالب علمی جهانی، حتی اگر تئوری نیز خلق شده بود، فاقد کارآمدی در تولید علم اثربخش بود. سرگردانی را در تولیدات علمی دانشمندان مدیریت در کشور به وضوح می‌توان مشاهده کرد: توافق گسترده‌ای بر سر انتخاب

روش‌های معتبر، واژه‌شناسی و ایجاد فرهنگ زبانی مشترک، و انواع آزمایش‌هایی که بتوانند سهمی در شکل‌دهی به بصیرت اثربخش پژوهشگران و دانشمندان داشته باشد مشاهده نمی‌شود. ترجمه‌زدگی، در ادامه وابستگی و انفعالی که در بالا به آن اشاره شد، به عامل دیگری می‌رسیم که مربوط به چگونگی تهیه و کسب دانش تخصصی در حوزه مدیریت مربوط می‌شود. تقریباً تمام علم مدیریتی رایج در ایران ظرف این سال‌ها، از ترجمه حاصل شده است.

بی‌توجهی به هدف غایی از مدیریت، مقصد تئوری‌های مدیریتی در نظام جهانی کارایی و سود است. آیا این مقصد می‌توانست در ایران نیز به عنوان عامل راهبری جریان‌ات اصلی تولید علم مدیریتی به کار گرفته شود و قابل قبول باشد؟

ناهمگرایی در اجتماع پرچم‌داران علم مدیریت، درباره باور دانشمندان مدیریت ایران به اینکه می‌توانند حامل پرچم کاروان توسعه کشور باشند، تردید وجود دارد. ظرف این ۵ دهه، دانشمندان مدیریت ایران، در عمل و آثار خود نشانه‌ای دال بر کوشش بلیغ برای اثبات یا تأیید نقش رشته خود در حل مسائل کشور ارائه نداده‌اند.

واکنشی بودن علم مدیریت، جریان توسعه علم مدیریت در کشور واکنشی بوده است. علم مدیریت به صورت انفعالی در انتظار بوده است تا در صورت (۱) اعلام نیاز دستگاه‌های دولتی، (۲) سفارش بخش خصوصی، (۳) بالا آمدن یک تئوری یا مدل در علم مدیریت در غرب، (۴) علائق تحقیقی و مطالعات استادان رشته مدیریت، (۵) رونق اقتصادی، و (۶) عادی یا بحرانی بودن شرایط عمومی کشور، واکنش نشان دهد. در نیم قرن گذشته، مسیر تحول علم مدیریت در کشور، از دل تشخیص و اقتضات رشته مدیریت تعیین نشده است.

ضعف در به هم وابستگی در شبکه علمی، برای تحول علمی نیاز به جمع شدن مجموعه‌ای از وقایع و عناصر را داریم. وقتی این‌ها در کنار هم نباشند، حتی اگر یک زمینه مطالعاتی آماده تحول باشد، موفق نخواهد بود. در کنار علم مدیریت، باید سایر علوم مانند روانشناسی و جامعه‌شناسی رشد می‌کرد و یا تحول می‌یافت. برای مثال وقتی کپرنیک فرض ثابت بودن زمین در کیهانشان را رد کرد، سایر لوازم برای اینکه کپرنیک فرضیه خود را به تأیید برساند وجود نداشت: برای مثال هندسه به اندازه کافی رشد نکرده بود. بنابراین او ادعای خود را پس گرفت.

وابستگی به مبادی قدرت. علم مدیریت در پیوند با مبادی قدرت، از یک سو سود برده است و از سوی دیگر دچار خسران شده است. اتصال علم مدیریت به سیاست، موجب بالا بودن حساسیت‌ها نسبت به این رشته شده است. دولت مردان به نسبت سایر شاخه‌های علوم، بیشتر مراقب نحوه و کیفیت پیشرفت این علم در کشور هستند. در نگاه اول، استقبال دولت مردان و سیاست‌گزاران از علم مدیریت، موجب شده است که هر ساله میلیون‌ها نفر-ساعت آموزش‌های مدیریتی در سازمان‌ها و دستگاه‌های دولتی به عنوان یک الزام برای استخدام یا ارتقای شغلی، ارایه شود و امکان توسعه این رشته تا حد در اختیار داشتن بیشترین دانشجو در میان سایر رشته‌های دانشگاهی فراهم شود (آمارنامه وزارت علوم، ۱۳۸۹). مشخص نیست که این تصمیمات به توسعه علم مدیریت کمک کرده باشد، زیرا شرکت‌کنندگان و مدیران سازمان‌ها، به طور منطقی خواهان آن بوده‌اند تا در نتیجه این آموزش‌ها، شاهد حل یا تخفیف مشکلات شغلی یا سازمانی خود، به شکل آنی، باشند؛ انتظاری که اغلب برآورده نشد.

از سوی دیگر، دولت مردان، به دلایلی که مهم‌ترین آن، توجیه منصب دولتی یا سمت مدیریتی خود است، اغلب مایل هستند تا نشان بدهند که دارای دانش تخصصی کافی در زمینه مدیریت هستند. برای اثبات این ادعا، ساده‌ترین راه دارا بودن یک گواهی است که از سوی مراجع معتبر علمی مانند دانشگاه در این زمینه صادر شده باشد. چنین انتظارات و خواسته‌هایی بالقوه ظرفیت بی‌سامانی علم مدیریت را به نسبت سایر رشته‌ها افزایش داده است.

### نتیجه‌گیری:

تحقیق حاضر با هدف مرور تحولات علم مدیریت در ایران ظرف ۵ دهه گذشته صورت پذیرفت. به کمک روش مروری-تحلیلی، عملکرد این رشته، مورد مطالعه قرار گرفت. با مقیاس قرار دادن تاریخ انقلاب اسلامی، رشته مدیریت طی دو دهه پیش و سه دهه پس از آن، مورد بررسی قرار گرفت. ۵ شاخص اصلی برای نظم دهی به اطلاعات و دستیابی به یافته‌های این تحقیق مدنظر قرار گرفت: (۱) مراکز علمی، (۲) انجمن‌های علمی، (۳) صاحب‌نظران، (۴) منابع علمی، و (۵) گردهمایی‌های علمی. وضعیت تولیدات علمی «مدیریت اسلامی» نیز ظرف این ۵ دهه، مرور شد و سرانجام در بحث به عمل آمده بر اساس تحلیل یافته‌ها، ۸ مانع توسعه علم مدیریت در ایران، ظرف نیم قرن گذشته شناسایی و مورد بحث قرار گرفت. این موانع عبارت بودند از: عدم مداخله در تأسیس یا تغییر پارادایم علمی؛ بی-

هدفی؛ ترجمه زدگی؛ بی توجهی به هدف غایی از علم مدیریت؛ ناهمگرایی در اجتماع پرچم‌داران علم مدیریت؛ واکنشی بودن علم مدیریت؛ ضعف در به هم وابستگی در شبکه علمی؛ و وابستگی به مبادی قدرت.